

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

فرستنده: بابک آزاد
۱۳ اپریل ۲۰۱۳

میلیتاریسم، جزء جدائی ناپذیر امپریالیسم!

رشد میلیتاریزم و گسترش جنگ افروزی های خانمان برانداز در اقاصا نقاط جهان و اتکاء فزاینده به نیروی قهر و ارتجاع، ویژگی بارز توسعه مناسبات امپریالیستی در جهان حاضر، یعنی جهان تحت سلطه بلامنازع سیستم سرمایه داری و قدرت های بزرگ امپریالیستی می باشد. بررسی های انجام شده در مورد بزرگترین قدرت امپریالیستی یعنی ایالات متحده امریکا نشان می دهند که بودجه فدرال این کشور در یک قرن اخیر همواره از یک رشد چشمگیر برخوردار بوده و در همه حال هزینه های نظامی بخش بزرگی از کل بودجه را تشکیل داده است. و این روند در شرایطی در مقابل چشم همگان پیش می رفت که بدهکاری های امریکا هر روز بیشتر شده و اکنون مدتهاست که از او به نام بدهکارترین کشور دنیا نام می برند. امریکا در دهه های اخیر بزرگترین بودجه نظامی در دنیا را صرف تسلیح و تجهیز ماشین جنگی خود کرده است. توجیه چنین اقدامی در افکار عمومی مترقی مردم امریکا که همواره با سیاست های جنگ طلبانه و نظامی دولتمردان خود به مخالفت برخاسته اند، اتکاء به "دشمنان" فرضی بوده است. در طول جنگ سرد این دشمن "اتحاد جماهیر شوروی" - "شیطان سرخ" یا آن طور که ریگان نامید "امپراتوری شر" بود. اما به دنبال سقوط شوروی و نیاز به خلق یک دشمن دیگر، این بار "بنیاد گرایی اسلامی" وظیفه توجیه سیاست های جنگ طلبانه دولت امریکا را عهده دار شد. جالب است که مدافعان افزایش بودجه نظامی در توجیه ضرورت افزایش بودجه های نظامی این کشور در شرایط سخت بحران اقتصادی، مدعی می شدند که ماشین جنگی امریکا باید جلوی ظهور هر قدرت بزرگی که احتمال دارد در آینده راه مقابله با امریکا را در پیش گیرد، سد کند. برای نمونه در سال ۲۰۰۷ و در زمان ریاست جمهوری بوش پسر، آن ها با اتکا به گزارش ۴ ساله پنتاگون نوشتند "امریکا باید در برابر امکان ظهور یک قدرت بزرگ که راه تخاصم را در پیش خواهد گرفت، مانع ایجاد کند. لذا این افزایش بودجه، اقدامی محدود کننده و در صورت لزوم مقابله آمیز با مقابله گرانی است که وزارت دفاع در صدد است با استفاده از سیستم های گران قیمت نظامی نوین خود به مقابله با آن ها برخیزد." در گزارش مزبور به سه عامل "مبارزه با شبکه های تروریستی"، "دفاع از خاک امریکا" و "شکل دهی به انتخاب های پیش روی امریکا در مورد کشورهای همکار ستراتیژیک در حوزه نظامی و امنیتی" در توجیه چرائی افزایش بودجه نظامی امریکا اشاره شده بود.

نگاهی به آمار منتشره در رابطه با روند افزایش بودجه های نظامی دولت امریکا نشان می دهد که در سال ۲۰۰۰ بودجه دفاعی امریکا تقریباً ۳۱۲ میلیارد دالر بود، اما در طول تقریباً یک دهه این رقم به بیش از ۲ برابر رسید و در سال ۲۰۱۱ به حدود ۷۱۲ میلیارد دالر افزایش یافت. مضافاً آن که در سال ۲۰۱۲ سهم بودجه نظامی از مجموع

"بودجه اختیاری دولت فدرال" آمریکا ۵۹ درصد (بیش از نصف کل بودجه) بوده است؛ در حالی که در همین بودجه سهم موسوم به بخش "عدالت اجتماعی" تنها دو درصد کل بودجه را تشکیل می دهد. پیامی که بودجه فدرال دولت آمریکا در سال ۲۰۱۲ به جهانیان می دهد این است که به رغم پیشبینی یک کاهش نسبی در بودجه نظامی، تمرکز دولتمداران آمریکا در اقتصاد، همچنان بر بخش نظامی می باشد. در واقع به استثنای دهه ۹۰ (دوره فروپاشی شوروی و پایان رسمی جنگ سرد) و فارغ از این که جمهوری خواهان و یا دمکرات ها بر دولت مسلط بوده اند، بودجه های نظامی دولت آمریکا همواره دارای یک رشد بزرگ صعودی بوده اند. سایر قدرت های امپریالیستی در چارچوب رقابت ها و تنش های قدرت طلبانه شان با آمریکا، با فاصله کم یا زیاد همین روند را طی کرده و متتوباً بر ابعاد بودجه های تخصیص یافته به ماشین جنگی خود به ضرر بودجه های عدالت اجتماعی و رفاه عمومی افزوده اند. به دنبال آمریکا با فاصله زیاد، قدرت دیگر جهانی یعنی دولت چین قرار دارد که به طور رسمی هزینه های نظامی اش ۲۲۸ میلیارد دالر می باشد.

بدون شک هنگامی که ترجمان عملی این روند را در زندگی واقعی تعقیب کنیم می بینیم که سرمایه داران جهانی ضمن استثمار و بهره کشی از طبقه کارگر کشورهای متروپل، در جهت چپاول ثروت های خلق های کشورهای تحت سلطه خویش و استثمار شدید نیروی کار این کشورها و از این طریق پر کردن جیب های گشاد خود، به طور روز افزون و با شدت هر چه بیشتری به تقویت ماشین جنگی خود می پردازند تا با استفاده از قدرت مرگبار آن علیه کارگران و خلق های تحت ستم در سراسر جهان و هم چنین در رقابت های هر دم تشدید شونده بین خود، موقعیت خود را حفظ نموده و از مناسبات ارتجاعی سرمایه داری امپریالیستی موجود محافظت نمایند.

سرکوب بدون وقفه انقلاب توده های تحت ستم و به خاک و خون کشیدن جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی آن ها در اقصا نقاط جهان توسط ارتش های سرمایه داران و سایر زواید آن ها و علاوه بر بر پائی جنگ های امپریالیستی، به راه انداختن جنگ های محلی در این یا آن کشور به بهانه های مختلف و ایجاد فضای جنگی به مثابه یکی از راه های اصلی تخفیف بحران نظام سرمایه داری، توصیف موقعیتی است که سیطره سیاه امپریالیسم با نظام سرمایه داری جهانی اش بر تمام جهان گسترده و زندگی میلیاردها انسان تحت ستم را بر روی یک انبار باروت بزرگ قرار داده است.

امروز، در شرایط وجود یک بحران کم و بیش مزمن اقتصادی در نظام جهانی امپریالیستی، جنگ به خصوص به صورت یک تجارت پر سود برای نظام سرمایه داری به طور کلی و سرمایه هائی که به طور مشخص در حوزه نظامی در سطح جهانی کار می کنند، در آمده است. جایگزینی هر گلوله ای که از تفنگ سربازان ارتش های ضد خلقی بر سینه توده های بی گناه و تحت ستم افغان، عراقی، افریقائی و فلسطینی و ... نشسته و آن ها را در راه مطامع سرمایه داران و امپریالیست ها به خاک و خون کشانده، جایگزینی هر بمبی که بر کاشانه آن ها فرو ریخته و آن را با خاک یکسان کرده، جایگزینی و تولید انبوه هر سلاح متعارف و غیر متعارفی که برای تخمین قدرت تخریبی و هلاکت بارش برای نخستین بار با ددمنشی تمام در این جنگ ها علیه توده های محروم به طور مثال فلوجه (در عراق) و لیبیا و عراق و سوریه مصرف شده است، ضامن تداوم یک تجارت سود آور در کارخانه ها و مراکز تولید سلاح در کشورهای متروپل بوده است. خالی شدن انبارهای سلاح که در جریان جنگ های بزرگ و کوچک و در نتیجه مصرف این سلاح ها توسط ارتش های خود کشورهای امپریالیستی (تولید کنندگان عمده سلاح) و یا توسط ارتش های وابسته و خدمتگزار سیاست های قدرت های امپریالیستی، اتفاق می افتد، بدون شک نیاز به جایگزینی و تولید دوباره جنگ افزارها و ارتقاء و تکامل نمونه های تازه تولید شده را مثل هر کالای دیگری ایجاب می کند. امری که تداوم تولید و کارکرد و کسب سودهای هر چه بیشتر توسط بزرگترین کارتل ها و انحصارات امپریالیستی تولید کننده سلاح و صنایع جنبی آن را تضمین می سازد.

واقعیت فوق هنگامی به طور واضح تر و برجسته تر خودنمایی می کند که ما با در نظر گرفتن بحران شدید اقتصادی، رشد بیکاری، تورم و رکود کم سابقه ای که نظام سرمایه داری جهانی هم اکنون با آن روبه روست (تاجائی که اقتصاد اکثر قدرت های بزرگ سرمایه داری یا در حالت رشد صفر درصد و یا رشد منفی به سر می برند) وضعیت صنایع نظامی را بررسی کنیم.

آماري که اخيرا توسط مؤسسه موسوم به "وال استریت ۷/ ۲۴" و با اتکاء به بررسی های "مؤسسه بین الملل مطالعات صلح استکهلم" در مورد چگونگی عملکرد و میزان سود بزرگترین کمپانی های تولید و فروش سلاح انتشار یافته حاکی از آن است که به برکت افزایش تصاعدی بودجه نظامی امریکا از ۳۱۲ میلیارد دلار سال ۲۰۰۰ به ۷۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱، در آمد ۱۰۰ شرکت فروش سلاح نیز یک رشد ۵۱ درصدی داشته و تنها در سال ۲۰۱۱ شرکتهای نامبرده حدود ۴۱۰ میلیارد دلار از بابت فروش جنگ افزار و خدمات نظامی در بازارهای بین المللی به جیب زده اند. شایان ذکر است در آمد یکسال تنها ۱۰ شرکت برتر در این رشته در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۲۱۰ میلیارد دلار رسیده است.

ده شرکت برتر در زمینه فروش جنگ افزار و ارائه خدمات نظامی، عبارتند از ۱- یونایتد تکنالوجیز (United Technologies) با سود ۵/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ دارای ۲۰۰ هزار نیروی کار (تولید کننده انواع تجهیزات نظامی، به طور مشخص، تولید کننده هلی کوپترهای "بلک هاک" و "سی هاک" برای نیروی زمینی و دریایی ارتش امریکا) ۲- شرکت - ال - ۳ کامیونیکشنز (L-3 Communications)، با سودی در حدود ۹۵۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ (تولید کننده اصلی سیستم های هواپیمای بدون سرنشین یا بهپاد) در حدود ۶۱ هزار تن در استخدام این شرکت می باشند. ۳- شرکت ایتالیایی فینمکانیکا (Finmeccanica) (تولید کننده انواع گوناگون تجهیزات نظامی از قبیل تجهیزات الکترونیک امنیتی و تجهیزات الکترونیک مورد نیاز هلی کوپترها) با سود ۳ / ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ دارای ۷۴ هزار و ۴۷۰ تن کارمند و کارگر است. ۴- شرکت اروپایی ای ای دی اس (EADS) (تولید کننده وسایل نظامی "هوا فضائی" با سود ۴ / ۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱، حدود ۱۳۳ هزار و ۱۲۰ تن کارمند دارد. ۵- شرکت نورثروپ گرومان (Northrop Grumman) تولید کننده سیستم هواپیماهای بدون سرنشین و سایر تجهیزات نظامی در سال ۲۰۱۱، ۲ / ۱ میلیارد دلار سود برده و ۷۲ هزار و ۵۰۰ تن را در استخدام خود داشته است. ۶- شرکت ریتنون (Raytheon) که یکی از بزرگترین مقاطعه کاران نظامی در امریکا بوده و در ایالت ماساچوست مستقر می باشد این شرکت تولید کننده بسیاری از جنگ افزار ها از جمله موشک "کروز تام هاک" می باشد و در سال ۲۰۱۱ سودی معادل ۹ / ۱ میلیارد دلار برده است. این شرکت ۷۱ هزار تن، پرسنل دارد. ۷- شرکت جنرال دینامیکز (General Dynamics) که سومین مقاطعه کار دفاعی دولت امریکاست. تولیدات این شرکت از جمله قایق های الکتریک و تانک های جنگی است. "جنرال دینامیکز" تنها در سال ۲۰۱۱ از بابت ۱۸ هزار معامله تسلیحاتی در بازار بین المللی مبلغ ۲/۳ میلیارد دلار سود برده است و بیش از ۹۵ هزار کارگر و کارمند در اختیار دارد. ۸- شرکت . بی ای ای سیستمز (BAE Systems)، که بزرگترین شرکت غیر امریکائی فعال در صنایع نظامی است. این شرکت با سود ۳ / ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱، ۹۳ هزار و ۵۰۰ تن را در استخدام خود داشته است. ۹- شرکت بونینگ نیز که با سود ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ در قسمت تولید هواپیما و تجهیزات الکترونیک، موشک و تجهیزات فضائی فعال بوده و ۱۷۱ هزار و ۷۰۰ کارمند دارد. بالاخره دهمین شرکت بزرگ نظامی که در سال ۲۰۱۱ با استفاده از بازاری که جنگ افروزی و میلیتاریسم قدرت های امپریالیستی بر پا ساخته، ۲/۷ میلیارد دلار عایدش شده، لاکهید مارتین (Martin Lockheed) می باشد که حدود ۱۲۳ هزار تن به عنوان کارمند و کارگر برایش کار می کنند.

یک نگاه اجمالی به آمار فوق نشان می دهد که به بهای وجود یک بازار بزرگ برای جنگ افزار های نظامی که به نوبه خود در نتیجه سیاست های جنگ طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیست ها در سطح جهان بر پا شده، تنها در موارد ذکر شده در بالا، ۱۰ انحصار بزرگ نظامی امپریالیستی، با یک فروش ۲۱۰ میلیارد دلاری سالانه از بابت تولید سلاح و جنگ افزار سود خالصی معادل ۲۵ میلیارد دالر نصیبشان شده است. مسلماً سرمایه داران شرکت های فوق بدون وجود بودجه های عظیم دولتی در زمینه نظامی و بازاری که دولت های امپریالیستی با به راه انداختن جنگ های وحشیانه در اقصا نقاط جهان ایجاد می کنند، از چنین موقعیتی هم بهره مند نمی شدند.

نکته دیگری که در رابطه با ارقام فوق باید در نظر گرفته شود این است که ارزش بازاری که در نتیجه استیلای سیاست های جنگ طلبانه و بودجه های نظامی در دولت های امریکا و شرکای امپریالیستش در سطح بین المللی ایجاد شده، دامنه بسیار وسیع تری از آمار فوق داشته و اگر طیف گسترده خدمات ثانوی و جنبی که لازمه تجهیز ارتش ها و تضمین کارکرد جنایتکارانه آن ها در میادین جنگ و نقاط بحرانی می باشد را نیز در نظر بگیریم، خواهیم دید که چه مبالغ هنگفت و سودهای نجومی در شرایط بحران از این بازار به جیب جنگ افروزان و سرمایه داران استثمارگری ریخته می شود که در حوزه نظامی فعال بوده و عرضه کنندگان چنین خدماتی می باشند.

واقعیت این است که گسترش روز افزون این صنعت سود آور که چرخش به بهای نابودی حیات و هستی میلیون ها انسان زحمتکش در حال گردش است، یکی از نتایج ناگزیر نظام سرمایه داری در مرحله طفیلی گری و گندیدگی (امپریالیسم) می باشد. اصولاً همان طور که تاریخ جامعه بشری در زمان حیات نظام امپریالیستی نشان داده، جنگ یکی از پاسخ های اساسی گردانندگان این نظام به معضلاتی است که همواره با آن ها درگیر اند. نگاهی به زمینه ها و نتایج ۲ جنگ مخوف جهانی در طول حیات امپریالیسم و صدها جنگ کوچک و بزرگی که توسط قدرت های امپریالیستی علیه کارگران و خلقهای تحت ستم و یا علیه رقبای دیگر به راه افتاده و جهان را در ناامنی وحشت نگاه داشته مؤید صحت چنین واقعیتی است.

امروز نیز در شرایط تشدید بحران اقتصادی گریبان گیر نظام امپریالیستی و رکود سنگینی که گریبان گیر اقتصاد بزرگترین قدرت های سرمایه داری شده ما شاهدیم که ارتجاعی ترین سیاست های جنگ طلبانه و نمایندگان آن ها در دولت های امپریالیستی به دلیل نیاز نظام تقریباً در همه جا به جلوی صحنه رانده شده اند و تحت تأثیر چنین موقعیتی، قدرت های امپریالیستی با تقویت انحصارات و کمپانی های نظامی به تولید فزاینده و فروش انبوه سلاح های خانمان برانداز و تخریبی روی می آورند؛ تکنیک های هر چه مخرب تر را در تولیدات جدید به کار می گیرند؛ به تجهیز ارتش های خود با سیستم های مخوفی می پردازند که استفاده از آن ها در میادین جنگ هائی که علیه کارگران و خلقهای تحت ستم سازمان یافته امکان پذیر می گردد. علت این روند این است که سرمایه داران جهانی با توسل به تمام این اعمال ضد خلقی می کوشند تا به سیستم راکد و بحران زده اقتصادی خود جانی تازه ببخشند و بار بحران کنونی و فجایع ناشی از آن را از طریق جنگ بر دوش خلق های محروم جهان سرشکن کنند. این نیاز در شرایط شدت گیری روز افزون بحران و به تبع از آن رشد تنش های آشکار بین قدرت های امپریالیستی برای حفظ بازارهای موجود و گسترش آن ها از طریق تلاش برای حضور نظامی مستقیم در مناطق استراتژیک، تعمیق یافته، تا آن جا که ما در یک دهه اخیر شاهد وقوع چندین جنگ بزرگ و ضد خلقی یعنی جنگ عراق و اشغال آن کشور، اشغال نظامی افغانستان، جنگ در لیبیا و مالی و گسترش فضای جنگی در بسیاری دیگر از مناطق جهان بوده ایم.

با مد نظر داشتن ماهیت و میزان درآمد عرضه کنندگان سلاح و تجهیزات نظامی در دنیا، نگاهی به لیست بهترین مشتریان این تجارت نیز واقعیت هائی را که امروز در جهان امپریالیستی می گذرد، هر چه واضح تر در مقابل چشم همگان قرار می دهد. در منطقه خاورمیانه نگاهی به هویت بزرگترین خریداران سلاح نشان می دهد که ۱۹ درصد کل

خریدهای تسلیحاتی در این بازار توسط امارات متحده عربی صورت می گیرد. به دنبال این کشور، عربستان سعودی با خرید ۱۸ درصد از صادرات سلاح در رتبه دوم قرار دارد و ترکیه با ۱۷ درصد به تازگی مقام سوم خریداران بزرگ سلاح را اشغال کرده است. عراق با ۱۰ درصد در رده بعدی بزرگترین خریداران تسلیحات در منطقه خاورمیانه قرار گرفته اند. همانطور که می دانیم در همه این کشورها امپریالیسم امریکا دست بالا را دارد. از این جاست که می توان ضمن بررسی منافع بزرگ ترین فروشندگان جهانی سلاح یعنی انحصارات امپریالیستی و دقت در هویت خریداران، به عمق نقش ارزنده ای پی برد که رژیم های وابسته به امپریالیسم، به طور فعال در رونق دادن به این بازار امپریالیستی ایفاء می کنند. در این میان رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز نقش بسیار مهمی در این زمینه داشته است. این رژیم در طول سال ها با "حمایت از تروریسم" و "بنیادگرانی اسلامی" با "پرونده هسته نی" و "خطر دستیابی اش به سلاح هسته نی"، و با ایفاء نقش "تهدید تمامی دولت های منطقه" به امپریالیست ها و به طور اولی امپریالیسم امریکا خدمت می کند. تحت تاثیر چنین تبلیغاتی است که با وجود و تداوم بقای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به مثابه یکی از "محور های شر" از نظر امریکا و منشاء خطر، امپریالیست ها تمامی دولت های مزدور منطقه را مجبور به خرید دائمی سلاح کرده و آن ها را تا بن دندان مسلح ساخته اند. به برکت وجود جمهوری اسلامی که در همسایگی بزرگ ترین خریداران سلاح در خاورمیانه قرار گرفته است که کمپانی های امپریالیستی قراردادهای تسلیحاتی را با عربستان و امارات و کویت و ... می بندند که به لحاظ ارزش، از برخی از آن ها (قرارداد با عربستان سعودی) به مثابه "قرارداد تسلیحاتی قرن" یاد می شود.

مضحک اینجاست که در مورد خریدهای تسلیحاتی دولت مزدور امارات در سال های اخیر از امپریالیست ها خود خبرگزاری های این قدرت ها بار ها اعلام کرده اند که ارتش این کشور حتی ظرفیت و قابلیت استفاده از جنگ افزارهای خریداری شده را ندارد. و بالاخره در نتیجه نقش ضد خلقی که رژیم جمهوری اسلامی در خدمت به سرمایه داران جهانی و قدرت های امپریالیستی در منطقه بازی می کند است که وزیر امور خارجه قبلی امریکا یعنی هیلری کلینتن، به دولت های منطقه وعده می دهد در صورت دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته نی، امریکا آن ها را نیز به این سلاح ها مجهز خواهد کرد!

مطالعه بازار بین المللی سلاح و تجارت پرسودی که جنگ و ایجاد کانون های تنش برای بزرگترین انحصارات نظامی امپریالیستی خلق کرده بستر دیگری برای تمام نیروهای آگاه و مبارز است تا نقش امپریالیسم و کارگزاران آن از جمله رژیم جمهوری اسلامی را هر چه روشن تر درک کنند و چهره دشمنان اصلی خود را هر چه بهتر بشناسند. آن هم در دورانی که مشاطه گران امپریالیسم با چشم بستن بر همه واقعیاتی که به گوشه کوچکی از آن در بالا اشاره شد از پایان امپریالیسم سخن گفته و به این ترتیب خاک به چشم کارگران و خلق های تحت ستم می پاشند.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۶۵، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۱